عنوان:

فرق بین دنیا و زندگی دنیا

|  |
| --- |
| شناسنامه مطلب |
| کد مطلب | t-125 |
| رده | تزکیه‌ای/تقوای عمومی/اصلاح اندیشه/تغییر بینش/نسبت به نظام آفرینش |
| برچسب | اصلاح اندیشه، دنیا، زندگی، عوالم، آفرینش  |
| توضیحات |  |

آن چه كه در مرحله­های ابتدایی سالک بسیار درگیر آن است، این است که، خیلی وقت ها زندگی دنیا با دنیا، خلط می­شود. دنیا عبارت است از همین عالم خلقت طبیعت كه در بین عالم های بالا و نوری و جبروتی نسبت به همه آنها، پست ترین آنهاست. یك عالمی است اما از نظر درجه وجودی، پست تر است. این عالم را، عالم مُلك می­گویند، دربرابر عالم ملكوت. بالاخره دنیا، فعل خداست و بسیار مقدس است. خداوند عبارت های جالبی در تعریف و شناخت دنیا بیان می­فرماید:

سوره ص آیه 27: " وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاء وَالْأَرْضَ وَمَا بَينَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ" این آسمانها و زمین و آن چه كه بین آنهاست، ما باطل خلق نكردیم.

سوره عنكبوت آیه ی 44: " خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيةً لِّلْمُؤْمِنِينَ"

این که خلقت آنها حق است، یك مطلب ساده­ای نیست. این، نكته­های فراوانی دارد و آن قدر این نكته، بالاست و با ارزش، كه هركسی قابلیت درك این نكته را ندارد. فقط آن ها كه مومنند، می­فهمند كه این آسمان‌ها، به حق خلق شده­اند. فقط مومنین، از خلقت به حق آسمان‌ها و زمین، لذت می­برند. دیگران وقتی نگاه می­كنند، فقط خورشید، ماه، جوی آب، پشه، پر مگس، یك غبار كه در مقابل نور خورشید درهوا به سختی دیده می­شود و... این ها را می­بینند. اما مومنین، آیه می­بینند.

ملاحظه فرموده­اید كه وقتی به یك بچه دو سه ساله، چك ده میلیونی بدهید، فقط یك كاغذ می­بیند و راحت پاره می­كند وآن طرف می­اندازد. اما تاجر، قشنگ می­بیند كه آن چك ده میلیونی یعنی چه؟ در حالی كه یك چیز است. خوب ما الان یك ستون و دریا و... می­بینیم، یعنی صورت را می­بینیم، اما خدا می­فرماید كه در این آیه­ای است. در سوره دخان آیه ی 38 و 39 می فرماید:

"وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَينَهُمَا لَاعِبِينَ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يعْلَمُونَ"

وَمَا بَینَهُمَا: یعنی هر آن چه كه بین این هاست. یعنی همه چیز.

خیلی عجیب است، گاهی هم جای تاسف دارد كه از این معارف غافلیم، این جاست كه معلوم می­شود كه هر چه بر استعمار و در رأس آنها دشمنان دین و اولی و ثانی و ثالث، نفرین بكنیم، بازهم كم است و اثر آن در بعضی از حاجت‌ها، كم از صلوات نیست.

اگر یك تكه كاغذی در گوشه­ای پیدا كنند، این همه رویش سرمایه می­گذارند كه شاید این كاغذ، چیزی باشد. تازه این فقط فرضیه یك شخص است و معلوم نیست كه به جایی برسند، شاید هم نرسند. قرآن فرضیه نیست، صحبت از حقایق مسلمی می­كند، اما اصلا دنبالش نمی­رویم. خوب، می­ارزد كه برویم و این همه حقایق را كشف كنیم.

"مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَايعْلَمُونَ"

این حق اصلا چیست؟ این حق، چشیدنی است. آن چه كه در بحثهای ذهنی مطرح می­شود، این كه مزه ندارد. همان مثال را كه مطرح كرده بودیم، كه یك وقت است كه یخ در آب، شنا می­كند و آب را می‌شناسد (اگر خود احساسی داشته باشد) اما اگر ذوب شود، آن وقت می­فهمد و می­چشد.

انسان، حق را در ذهن می­شناسد، این همان یخ منجمد است. پس از این كه ذوب شد و خود حق شد، آن وقت می­چشد.

بنا بر این پست‌ترین عالمی كه از نظر درجه­ی وجودی هست، همین عالم است و این را هم گفتیم كه قرآن، آن را به عنوان آیه معرفی می‌كند و می‌فرماید كه خیلی قابل ارزش و وسیله بندگی خداست. وگفتیم كه زندگی دنیا در بیرون و خارج نیست؛ در درون انسان هست. مثلاً چند تا حوضی را كه در یكی آب هست، در دیگری گل هست و دیگری یخ است، در نظر می‌گیریم. وقتی ما به هر سه تای این ها، یك ضربه­ی واحد وارد می‌كنیم، اگر چه شدت این ضربه‌ها به درون حوض‌ها یكسان است، اما تأثیرات و چگونگی امواجی كه در درون آن‌ها حاصل می‌شود، به تناسب وضعیت محتوای آن‌هاست. اگر انسان را آن حوض و محتوا را آن روح حساب كنیم، آن كیفیت و چگونگی امواجی كه در محتوای این ها ایجاد می‌شود و تأثیر می‌پذیرد، آن همان زندگی اوست پس زندگی هر كسی بسته به وضعیت روح اوست كه در درون دارد، در بیرون، زندگی معنا ندارد، هرچه در بیرون هست، آن دنیاست.

 کتاب فطرت، پایگاه ندای پاک فطرت